

بررسی محتوایی، زبانی و ادبی مرثیه‌ای از مرثی جودی در مصیبت شهادت حضرت علی اکبر(ع)
فاطمه زهرا ناصری بازاری*

چکیده

مرثیه گونه‌ای از شعر می‌باشد که در سوگ خویشاوندان، یاران، بزرگان قوم، عالمان دین و شرح ائمه‌ی معصومین(ع) سروده شده باشد.

سروده‌های مدحی به ویژه مرثیه دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم ایران بخصوص شیعیان است به گونه‌ای که روز به روز بر عشق و علاقه‌ی مردم به این گونه از سروده‌ها افزوده می‌گردد و از آن جا که بخش زیادی از سروده‌های شاعران را مرثیه و اشعار مدحی به خصوص مرثیه امام حسین(ع) و یاران وفادارش به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر به خاطر این که تا کنون در پژوهشی جامع و دقیق به بررسی زبانی، ادبی و محتوایی مرثیه‌ای از مرثی جودی پرداخته نشده است نگارنده بر آن است تا در این پژوهش به بررسی این موضوع بپردازد. در بررسی‌های انجام شده بر روی مرثی جودی در می‌یابیم؛ که در سروده‌های این شاعر مرثیه و اشاره به حوادث کربلا نمود بسیاری دارد؛ به گونه‌ای که نشان دهنده بخش بزرگی از عاشورای حسینی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مرثیه، بررسی زبانی، ادبی و محتوایی.

مقدمه

* کارشناس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی و پیش دبستانی F. z.naseri1372@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰

عبدالجواد جودی خراسانی از شاعران شیعه و مرثیه سرای قرن سیزدهم هجری قمری است که در عنبران خراسان به دنیا آمد، پیشه‌ی او قنادی بود و دیوان شعری از او بر جا مانده است. او قصیده‌ها بی در مدح پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و عید غدیر سروده است. جودی در اشعارش متأثر از شاعران بزرگ ادب فارسی سعدی و حافظ است. سرانجام این شاعر برجسته در سال ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۲ هجری قمری از دنیا رفت و در حرم امام رضا (ع)، به خاک سپرده شد (ریاضی، ۱۳۳۶: ۲۸۳).

دیوان جودی در حدود سه هزار بیت شامل قصیده، مثنوی، مرثیه و نوحه‌های سینه زنی است و بارها چاپ شده است. دیوان او نخستین بار در سال ۱۲۹۹ به امر ناصرالدین شاه و به همت میرزا سعیدخان مومتمن الملک در چاپ خانه سنگی آستان قدس، به خط میرزا شفیح اعتمادالدوله، چاپ شد و در سال ۱۳۰۳ در مشهد تجدید چاپ شد؛ نسخه‌ای دیگر از این دیوان در سال ۱۳۱۰ در تهران نیز چاپ شد (مروج الاسلام، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

مرثیه گونه‌ای از شعر می‌باشد که در سوگ خویشاوندان، یاران، پادشاهان، وزیران، بزرگان قوم، عالمان دین و شرح انمهی معصومین (ع) سروده شده باشد. در مرثیه به بیان و یاد مناقب و فضائل و مکارم شخص در گذشته پرداخته می‌شود هم چنین شأن و جایگاه او را گرامی می‌دارند و از دست دادن او را ضایعه‌ای بزرگ و جان سوز نشان می‌دهند.

از آن جایی که سروده‌های مدحی به ویژه مرثیه دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم ایران بخصوص شیعیان است به گونه‌ای که روز به روز بر عشق و علاقه‌ی مردم به این گونه از سروده‌ها افزوده می‌گردد و از سویی دیگر بخش زیادی از سروده‌های شاعران را مرثیه و اشعار مدحی به خود اختصاص داده است به خصوص مرثیه سیدالشهدا امام حسین (ع) و یاران وفادارش از سویی دیگر به خاطر این که تا کنون در پژوهشی جامع و دقیق به بررسی زبانی، ادبی و محتوای مرثیه‌ای از مراثی جودی صورت نگرفته است نگارنده بر آن است تا در این پژوهش به بررسی این موضوع بپردازد.

هرچند درباره‌ی بررسی زبانی، ادبی و محتوای مرثیه‌ای از مراثی جودی به طور تخصصی پژوهشی انجام نشده است، اما از جمله پژوهش‌های انجام گرفته درباره مرثیه سرایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افراسیابی، علی (۱۳۸۶)، دیوان جودی در مدح و رثای پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار (ع)،



سعیدی، سهراب (۱۳۹۳)، نوحه و عزاداری در هرمزگان، و (۱۳۸۸)، سوگواره‌ها، نوحه‌ها، عزاها و نواهای عاشورایی مردم هرمزگان، شاعری، محمدحسین (۱۳۸۵)، مرثیه عشق / مقدمه‌ای بر مرثیه سرایی و نوحه‌ها ی جدید در عزای شهیدان کربلا و اهل بیت، و بیطرفان، روح الله (۱۳۹۳)، روضه خوانی «مقتل شناسی و مرثیه سرایی».

روش کار این جستار بر مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌ها از نوع کیفی می‌باشد؛ ابتدا مرثیه جودی درباره حضرت علی اکبر(ع) آورده می‌شود و سپس این مرثیه را مورد بررسی محتوایی، زبانی و ادبی قرار می‌دهیم و در پایان نیز نتیجه‌گیری می‌آید.

جز خالق اکبر ز دل او که خبر داشت؟	داغی که حسین از غم اکبر به جگر داشت
او دیده‌ی حسرت به سوی جسم پسر داشت	تا آن دم آخر که بریدند سرش را
از سوز لب خشک پسر دیده‌ی تر داشت	می‌سوخت خود از تشنگی و در دم مردن
نه دیده سوی شمس و نه چشمی به قمر داشت	تا چهره‌ی اکبر به حسین بود مقابل
یارب! چه هوا بود که آن شاه به سر داشت؟	بگذشت به یک باره ز جان و زن و فرزند
لیلای جگر خون گر از این غصه، خبر داشت	مجنون شدی و سر به بیابان بنهادی
آن بحر فرومایه، کی آن قدر گهر داشت؟	شد پُر گهر از دیده‌ی زینب، همه آفاق
این داغ پسر در دل و آن داغ پدر داشت	نالم به حسین یا ز غم حضرت سجاد
کاندر جگر سنگ، فغان تو اثر داشت	در آه جگر سوز تو، جودی! چه شرر بود

(افراسیابی، ۱۳۸۶: ۶۹).

بررسی محتوایی: ابیات فوق در بیان سوگ و مرثیه‌ی شهادت حضرت علی اکبر(ع) می‌باشد شاعر داغ شهادت حضرت علی اکبر(ع) را بسیار بزرگ می‌داند که تنها امام حسین(ع) و خدایش از شدت این داغ و اندوه آگاه هستند به گونه‌ای که تا آن هنگام که سر مبارک امام حسین(ع) را از تنش جدا می‌کردند به سوی پیکر پسرش نگاه می‌کرد و با وجودی که امام حسین(ع) بسیار تشنه بود از شدت تشنگی پسرش چشمانش اشکبار بود.



حضرت علی اکبر(ع) آنقدر خوش سیما بود که امام حسین مدام به چهره نورانش می‌نگریست، حضرت علی اکبر(ع) از همه‌ی تعلقات دنیوی چشم پوشید و به سوی شهادت رفت. حضرت علی اکبر(ع) اولین شهید کربلاست که در ادامه به معرفی آن حضرت پرداخته می‌شود.

«علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب»، در اوایل خلافت عثمان بن عفان به دنیا آمد. وی از جدش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده است: مادرش «لیلی» دختر «ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی» است.

علی اکبر، در گفتار و وجاهت و تناسب اندام و خلق و خوی همانند جدش رسول خدا بوده است. روزی معاویه از اطرافیان خود پرسید: به نظر شما چه کسی سزاوارتر است به خلافت؟ اطرافیان پاسخ دادند: تو. معاویه گفت: نه سزاوارترین مردم به خلافت علی بن الحسین است؛ چرا که جدش رسول خداست و در وی شجاعت بنی‌هاشم، سخاوت بنی‌امیه و زیبایی ثقیف موج می‌زند.

کنیه آن حضرت «ابوالحسن» و لقبش علی اکبر است. زیرا بنا بر صحیح‌ترین اقوال درباره سن آن حضرت، وی بزرگترین فرزند امام حسین علیه السلام است. برخی سن مبارک ایشان در هنگام شهادت بیست و پنج سال نوشته‌اند. بنا بر قول مشهور از بنی‌هاشم علی اکبر اولین کسی است که در کربلا به شهادت رسیده است.

در توقفگاه قصر بنی‌مقاتل، امام حسین علیه السلام به جوانان خاندان خود دستور داد آب بردارند و سپس در آخر شب به کاروان دستور حرکت داد. امام همچنان که بر روی اسب بود، اندک خوابی او را فرا گرفت و پس از این که بیدار شد، چند بار گفت: «انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین»

فرزندش علی اکبر پیش آمد و گفت: «ای پدر، چرا حمد خدا به جا آوردی و «انا لله و انا الیه راجعون» گفتی؟» فرمود: «پسرم. لحظه‌ای به خواب رفتم و در خواب، اسب سواری را دیدم که می‌گفت: «این گروه می‌روند و مرگ نیز به سوی آنها می‌رود.» دانستم که او همان جان ماست که خبر مرگ ما را می‌دهد.»

علی اکبر گفت: «پدر جان! خداوند برای ما بدی پیش نیاورد. مگر ما بر حق نیستیم؟» فرمود: «چرا، سوگند به آن خدایی که بازگشت بندگان به سوی اوست، ما بر حق هستیم.» علی اکبر گفت: «پس



باکی نداریم از این که بر حق بمیریم.» امام حسین علیه السلام به او فرمود: «خدایت بهترین پاداشی که فرزند از پدر خود می برد به تو عنایت کند.»^۱

شیخ صدوق (ره) به نقل از امام زین العابدین علیه السلام می نویسد: هنگامی که علی اکبر علیه السلام برای مبارزه به سوی دشمن رفت، چشمان حسین علیه السلام، گریان شد و گفت: خدایا! تو گواه باش که جوانی برای جنگ با آنان می رود که شبیه ترین مردم به پیامبرت و شبیه ترین مردم به او در صورت و سیرت، به سوی آنان می رود.

سید بن طاووس (ره) در «المهلوف» بیان می کند: «علی اکبر علیه السلام که از زیبا بروی ترین و خوش خوی ترین مردم بود، بیرون آمد و از پدر اجازه نبرد خواست.

امام علی علیه السلام به او اجازه داد، سپس، مایوسانه به او نگریست و سرش را پایین انداخت و گریست.

سپس گفت: «خدایا! گواه باش جوانی به نبرد آنها می رود که از نظر صورت و سیرت و سخن گفتن، شبیه ترین مردم به پیامبرت و ما هرگاه مشتاق پیامبر می شویم به او می نگریسیم.» حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان رفت و دلاورانه جنگید و ده تن از سپاهیان دشمن را کشت و سپس به نزد پدرش بازگشت و گفت: ای پدر! تشنه ام. حسین علیه السلام فرمود: «شکیبایی کن، پسر عزیزم! جدت با کاسه ای پر به تو می نوشاند» دوباره به میدان جنگ بازگشت و چهل نفر از دشمنان را به هلاکت رسانید

تاریخ الطبری به نقل از ابو مخنف می نویسد: زهیر بن عبدالرحمان برایم نقل کرد که: مُرَّةُ بن مُنْقِدِ بن نُعْمَانِ عَبْدِ لَیْثِی، او را دید و گفت: گناهان عرب بر دوش من، اگر بر من بگذرد و چنین کند و من، پدرش را به عزایش نشانم!

علی اکبر علیه السلام، با شمشیرش به دشمن حمله می برد که بر مُرَّةُ بن مُنْقِدِ گذشت. او نیزه ای به علی اکبر علیه السلام زد و او [بر زمین] افتاد.

علی اکبر علیه السلام، ندا داد: ای پدر! سلام بر تو! این، جدم است که به تو سلام می رساند و می فرماید: «زودتر، به سوی ما بیا» (همان).

^۱ برگرفته از مقاله‌ی تحت عنوان حضرت علی اکبر(ع) با اولین شهید کربلا، پایگاه اینترنتی بیوته.

دشمن، گردش را گرفتند و با شمشیرهایشان، او را تگّه تگّه کردند. همچین سلیمان بن ابی راشد، از حُمَید بن مسلم آزدی برایم نقل کرد که: در روز عاشورا، به گوش خود شنیدم که حسین علیه السلام می گوید: «خدا، بکشد کسانی را که تو را کشتند، ای پسر عزیزم! چه گستاخ بودند در برابر خدای رحمان و بر هتک حرمت پیامبر! دنیا، پس از تو ویران باد! و گویی هم اینک به زنی می نگرم که مانند خورشید به گاه طلوع، به سرعت، بیرون دویده، ندا می دهد: ای برادرم و فرزند برادرم! درباره او پرسیدم. گفته شد: این، زینب، فرزند فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است.

آن زن آمد تا خود را بر روی پیکر علی اکبر علیه السلام انداخت. حسین علیه السلام نزد او آمد و دستش را گرفت و او را به خیمه، باز گرداند. سپس، حسین علیه السلام به پسرش روی آورد و جوانان خاندان او نیز همراهش آمدند. حسین علیه السلام فرمود: «برادران را ببرید!» آنان، او را از آن جایی که بر زمین افتاده بود، بُردند و در خیمه ای نهادند که جلوی آن می جنگیدند؛ گذاشتند (تاریخ طبری، ج: ۵، ص: ۱۶۴).

نمونه‌ای از مرثیه‌ی شاعران هرمزگان در سوگ حضرت علی اکبر(ع):

ایا لیلای دل خسته علی بارسفر بسته	نظر بر قد و سروش کن بنال آهسته آهسته
به حق حضرت سبحان به حق آیه قرآن	علی بر گرد مرو میدان برو آهسته آهسته
همان شبهای تابستان نشستم پای مهد تو	بگفتم لای لای برو آهسته آهسته
امیدم بود در این خانه زنم بر گیسویت شانه	شده این خانه ویرانه برو آهسته آهسته
مدینه با دو صد شادی بریدم رخت دامادی	کفن شد خلعت شادی برو آهسته آهسته
بین مادر غمگینم من دعا کن تا بمیرم من	تورا دیگر نمی بینم برو آهسته آهسته
امیدم بود که در بطحا کنم شادی تو برپا	کباب از هجر تو لیلا برو آهسته آهسته
بین بابت علی اینجا میان لشکرا عدا	غریب و بی کس و تنها برو آهسته آهسته
ایا ذاکر بزن برسر ترا اندر صف محشر	شفا خواه تو پیغمبر برو آهسته آهسته

(سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۰)



بررسی زبانی

زبان شعر ساده و قابل فهم می‌باشد.

لغات عربی در شعر وجود دارد ولی به اندازه ای نیست که درک و فهم و سادگی شعر خللی ایجاد نماید.

به کار بردن «اندر» به جای حرف اضافه ی «در» که از ویژگی های سبک خراسانی است:
می سوخت خود از تشنگی اندر دم مردن از سوز لب خشک پسر دیده تر داشت

آوردن پیشوند «ب» بر سرفعل - بنهادی

مجنون شدی و سر به بیابان بنهادی لیلای جگر خون، گر از این غصه خبر داشت.
اضافه مقلوب: جگر خون را به جای «خون جگر» به کار برده است.

تقدیم فعل

شد پُر گهر از دیده ی زینب، همه آفاق / آن بحر فرومایه، کی آن قدر گهر داشت.
به کاربردن «گریم» در معنای «گریه کنم»؛ «به کدام گریه کنم»:
گریم به حسین یا زغم سید سجاد کا و داغ پدر برده و این داغ پسر داشت

صورخیال

پرسش یا اسفهام انکاری

داغی که حسین از غم اکبر به جگر داشت جز خالق اکبر ز دل او که خبر داشت

تضاد

می سوخت خود از تشنگی اندر دم مردن از سوز لب خشک پسر دیده تر داشت

لف و نشر

گریم به حسین یا زغم سید سجاد کا و داغ پدر برده و این داغ پسر داشت

تناسب (مواخات)

می سوخت خود از تشنگی اندر دم مردن از سوز لب خشک پسر دیده تر داشت
تا چهره‌ی اکبر به حسین بود مقابل نه دیده سوی شمس و نه چشمی به قمر داشت
مجنون شدی و سر به بیابان بنهادی لیلای جگر خون گر از این غصّه، خر داشت
شد پُر گهر از دیده‌ی زینب، همه آفاق آن بحر فرومایه، کی آن قدر گهر داشت؟

تلمیح

مجنون شدی و سر به بیابان بنهادی لیلای جگر خون گر از این غصّه، خبر داشت
گریم به حسین یا زغم سید سجاد کا و داغ پدر برده و این داغ پسر داشت

تشخیص

بر آه جگر سوز تو، جودی! چه شرر بود کاندر جگر سنگ، فغان تو اثر داشت

استعاره

شد پُر گهر از دیده‌ی زینب، همه آفاق آن بحر فرومایه، کی آن قدر گهر داشت؟
گهر استعاره از اشک

نتیجه‌گیری

مرثیه در فارسی، عربی یا هر زبان دیگری شکل خاصی از شعر است که در آن عنصر عاطفه و احساس بر جنبه‌ی عقلی، استدلالی غلبه می‌کند. حماسه‌ی جان سوز شهادت امام حسین (ع) و یاران



وفادارش در عاشورای سال ۶۱ هجری قمری و هم چنین ظلم‌ها و جفاهایی که نسبت به خاندان نبوت (ائمہ اطهار) پس از وفات حضرت رسول (ص) صورت گرفت بسیاری از شاعران و نویسندگان از جمله جودی را بر آن داشت تا در حد توان خویش در انتقال این حماسه به نسل‌های پس از خود تلاش کند و بخش‌هایی از این مظلومیت‌ها را در قالب شعر و مرثیه به تصویر بکشند و بیان نمایند و باعث آگاهی هر چه بیش تر مردم نسبت به قیام حسینی و سختی‌ها و دشواری‌هایی که در راستای زنده نگه داشتن اسلام متحمل شده‌اند پردازد. با بررسی و تأمل بر روی سروده‌های جودی مشخص می‌شود؛ که این شاعران نقش بسزایی در حفظ گنجینه عاشورایی ایفا کرده؛ به گونه‌ای که با مطالعه و پژوهش بر روی اشعارش اطلاعات فراوان و قابل توجهی درباره زوایای مختلف زندگی اهل بیت و واقعه‌ی کربلا، به دست می‌آید. مرثی جودی از نوع مرثی مذهبی و در بیان مصائب جان کاه کربلا و اهل بیت است.

منابع و مآخذ

- افراسیابی، علی، (۱۳۸۶)، دیوان جودی در مدح و رثای پیامبر اعظم و ائمہ اطهار(ع)، ج ۱، قم: نهانندی.
- ریاضی، غلامرضا، (۱۳۳۶)، دانشوران خراسان، مشهد: مولف.
- سعیدی، سهراب، (۱۳۹۳)، نوحه و عزاداری در هرمزگان، چاپ اول، قم: دارالتفسیر
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۸۰)، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، چ ششم، تهران: اساطیر.
- مروج الاسلام، علی اکبر، (۱۳۷۰)، کرامات رضویه، مشهد: مولف.

مقالات

- پایگاه اینترنتی بیتوته، حضرت علی اکبر اولین شهید کربلا.